بسم الله الرحمن الرحیم

وصلی الله علی محمّد و آله الطاهرین

دینوک
فروشگاه تخصصی کتب دینی

الحمدلله الذى جعل الحمد مفتاحا لذكره
وخلق الأشياء ناطقة بحمده وشكره والصلاة والسلام
على نبيه محمد المشتق اسمه من اسمه المحمود
وعلى آله الطاهرين أولى المكارم والجود

تقديم به:
الإمام الهمام محمد بن علي الجواد عليه الصلاة و السلام

دينوک
فروشگاه تخصصی کتب دینی

مقدمه‌ای بر

تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای

جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی

تألیف:

دکتر سیدمحمدهادی گرامی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

با مقدمه:

دکتر احمد پاکتچی

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)

تنظیم و برخی افزوده‌ها:

علیرضا دهقانی

دینوک

فروشگاه تخصصی کتب دینی





عنوان: مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی
مؤلف: دکتر سیدمحمدهادی گرامی
مقدمه‌نویس: دکتر احمد پاکتچی
تنظیم و برخی افزوده‌ها: علیرضا دهقانی
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و پژوهشکده قرآن و عترت دانشگاه آزاد اسلامی
ویراستار، صفحه‌آرا: رضا عبداللهی
طراح جلد: محمد روشنی
نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: چاپخانه انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۱۱۵/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۱-۶۱۵-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵● کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱● تلفکس:۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir ● E-mail: press@isu.ac.ir

سرشناسه: گرامی، سیدمحمدهادی، ۱۳۶۰ –
عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای: جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی/ تالیف سیدمحمدهادی گرامی؛ با مقدمه احمد پاکتچی؛ تنظیم و برخی افزوده‌ها: علیرضا دهقانی.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، انتشارات: دانشگاه آزاد اسلامی، پژوهشکده قرآن و عترت (ع)، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۸۰ ص.
شابک : ۱-۶۱۵-۲۱۴-۶۰۰-۹۷۸
موضوع: تاریخ‌نویسی اسلامی
موضوع: شیعه — تاریخ‌نویسی
شناسه افزوده: پاکتچی، احمد، ۱۳۴۲ –، مقدمه‌نویس
شناسه افزوده: دهقانی، علیرضا، ۱۳۷۵ –، ویراستار
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شناسه افزوده: دانشگاه آزاد اسلامی. پژوهشکده قرآن و عترت(ع)
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۷م ۴ک/۶۵/ ۳۵ DS
رده بندی دیویی: ۹۰۷/۲۰۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۷۲۵۹۲

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنّفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر ۵

مقدمه دکتر احمد پاکتچی ۷

پیشگفتار ۱۱

فصل اول: درآمد و چشم‌انداز مطالعات تاریخ اندیشه ۱۷

۱. فقدان ادبیات روش‌شناختی در زمینه تاریخ اندیشه اسلامی ۱۷

۲. تبارشناسی تاریخ اندیشه در غرب ۲۱

۳. جایگاه محوری کوئنتین اسکینر در مطالعات تاریخ اندیشه غرب ۲۳

۴. مفهوم «تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای» ۲۹

۵. تاریخ اندیشه به مثابه روش: از ترجمه فرهنگی تا ترجمه فرهنگ‌نامه‌ای ۳۳

۶. «تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای» به مثابه مکتبی نوپا در ایران ۳۹

۷. پیچیدگی و عمق تاریخی‌گری در تاریخ‌نگاری انگاره و اندیشه ۴۷

۸. اهمیت مطالعات تاریخ اندیشه و کمبودهای مطالعات سنتی ۵۱

۹. موانع توسعه تاریخ اندیشه ۵۵

۱۰. دشواری‌های تاریخ اندیشه به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای ۵۹

فصل دوم: نگرش کلامی و نگرش تاریخی ۶۳

۱. کرانه‌های تلاقی کلام و تاریخ اندیشه ۶۳

۲. تعارض کلام و تاریخ: تفکیک تعارض به اجزای آن ۶۶

۳. تاریخ‌نگاری اندیشه و برون‌رفت از چالش کلامی و دغدغه «أصالت الهی» ... ۷۲

۴. تاریخ‌نگاری اندیشه و پیش‌فرض‌های کلامی ۷۶

۵. ارزش‌داوری و تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی ۷۸
۶. پدیدارشناسی و امکان تاریخ‌نگاری اندیشه فارغ از پیش‌فرض‌های کلامی ۸۰

فصل سوم: نقد بیرونی در تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای ۸۵

۱. نقد بیرونی و نقد درونی ۸۵
۲. ماهیت گزاره‌ها و مواد تاریخی در نقد بیرونی ۸۶
۳. تفاوت نقد بیرونی با روشهای سنتی اعتبارسنجی در علوم اسلامی ۸۹
۴. نقد بیرونی به مثابه نقد برون‌نسخه‌ای: کتابخانه‌ای، مؤلف‌محور و نسخه‌محور ۹۳
۵. نقد بیرونی به مثابه نقد درون‌نسخه‌ای: گزارش‌های تکصدا، چندصدا و تاریخ‌گذاری آنها ۹۵
۶. نقد بیرونی گزارش‌های شکل‌گیری مکتب قم به مثابه یک نمونه ۹۷

فصل چهارم: نقد درونی در تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای ۱۰۳

۱. برجستگی و اهمیت نقد درونی در تاریخ اندیشه ۱۰۳
۲. نقد درونی به مثابه توصیف و تفسیر ۱۰۴
۲-۱. تاریخ‌گذاری انگاره‌ها و بررسی روند تطور آن..... ۱۰۵
۲-۲. تاریخ‌گذاری گفتمان‌ها و بررسی روند تطور آنها ۱۱۰
۳. نقد درونی به مثابه تبیین..... ۱۱۴
۳-۱. جریان‌شناسی تاریخی ۱۱۴
۳-۱-۱. اهمیت جریان‌شناسی در تاریخ اندیشه ۱۱۴
۳-۱-۲. سابقه مطالعات جریان‌شناسی و مفهوم آن در غرب ۱۱۵
۳-۱-۳. مفهوم جریان، جریان‌شناسی و جریان‌سازی در تاریخ‌نگاری اندیشه ۱۱۹
۳-۱-۴. نمونه مفهوم «جریان تاریخی» برای تحلیل سرآغاز تشیع ۱۲۴
۳-۱-۵. جریان‌شناسی و تحلیل سه‌سطحی گزارش‌های متعارض تاریخی ۱۲۷
۳-۱-۵-۱. تحلیل سه‌سطحی گزارش‌های متعارض درباره محمد بن اورمه قمی ۱۳۰
۳-۱-۶. جریانشناسی و زاویه دید: انگاره‌های اخباری، اصولی و تفکیکی ۱۳۶

۳-۲. طرحواره تاریخی ۱۴۳
۳-۲-۱. طرحواره تاریخی کاملترین مرحله در یک تبیین تاریخ اندیشگانی ... ۱۴۳
۳-۲-۲. پیش‌فرض‌های کلامی و طرحواره‌های تاریخی ۱۴۷
۳-۲-۳. دو الگوی رایج تأثیر نگره‌های کلامی بر طرحواره‌های تاریخی .. ۱۴۹
۳-۲-۴. کاستن تأثیر نگره‌های کلامی بر طرحواره‌های تاریخی ۱۵۱

فهرست منابع و مآخذ ۱۵۵
الف. منابع به زبان‌های فارسی و عربی ۱۵۵
ب. منابع انگلیسی و آلمانی ۱۶۸
ج. نرم‌افزارها ۱۶۹

نمایه ۱۷۱

دینوک
فروشگاه تخصصی کتب دینی

دینوک
فروشگاه تخصصی کتب دینی

«بسم الله الرحمن الرحیم»

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا داوُودَ وَ سُلَيْمَنَ عِلْمًا و قَالا اْلْحَمْدُ لِلَّهِ اْلَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَي كَثِير مِنْ عِبَادِهِ اْلْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل/ آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به‌حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی ـ پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده

دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل‌مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکا به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی ـ کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام ــ ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند ـ درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان‌شاءالله).

دیتوک
فروشگاه تخصصی کتب دینی

وللّه‌الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه دکتر احمد پاکتچی[1]

تاریخ انگاره دیرزمانی نیست که به محافل اندیشه و پـژوهش راه یافتـه، ولـی در همـین بازه زمانی راه خود را به خوبی بازگشوده و با استقبال قابل توجهی روبه‌رو شـده اسـت. به خصوص در چند دهه اخیر، شرایط جهانی اندیشه و مطالعـه، نیـاز بـه تـاریخ انگـاره بیش از پیش احساس شده و مسیر آن پرشتاب‌تر شده است. همانند هر شـاخه دیگـر از پژوهش علمی، از آلمان تا ایالات متحده و از اسکاندیناوی تا ایران، درک‌هـای متنـوعی از تاریخ انگاره و نسبت آن به شاخه‌های دیگر پژوهش با نام‌های تاریخ اندیشه یا تـاریخ مفاهیم وجود دارد، ولی در ایـن معرکـه آراء شایسـته اسـت بـه جـای مصـادره کـردن اصطلاحات دیگران، معنای مورد نظر خود را منقح سازیم. آنچه در تعریف ما از انگـاره مورد نظر است، تصویرهایی ذهنی اسـت کـه دو خصوصـیت مهـم در آن وجـود دارد: نخست آن که اجتماعی است و از ساحت فردی کاملاً بیرون رفته است و دیگـر آن کـه حاصل یک فرآیند است که از تاریخیت برخوردار است. مقصود فرآیندی کـه انگـاره از شکل‌گیری نخستین تا رسیدن به حد یک تصویر ساخت‌یافته طی کرده است، هـر چنـد آن شکل نخسـتین، خـود گسسـتی از یـک انگـاره پیشـین باشـد و هرچنـد آن انگـاره ساخت‌یافته کنونی خود در معرض تغییر و راه جستن به انگـاره یـا انگـاره‌هـایی دیگـر باشـد.ماننـد هـر امـر تـاریخی دیگـر، در اینجـا نیـز سـخن از شـبکه‌ای از رونـدها و رخدادهاست،روندهایی که الزاماً از حرکتی آرام و تدریجی برخوردار نیسـتند کـه بتـوان با شنیدن آغاز و فراز و انجام داستان، همه قصه را بازسازی کرد. تاریخ هر لحظه آبسـتن رخدادهایی است که یک تغییر و ورود به یک دوره جدید را رقم می‌زند.

باری، آن گونه که گفته شد، انگاره یک امر اجتماعی ـ تاریخی اسـت و بـه همـین سبب، مانند دیگر امور اجتماعی جنبه عینی در آن قـوی اسـت؛ بـه تعبیـر دیگـر نقـش

---

۱. این مقدمه پیشتر در کتاب: گرامی، سیدمحمدهادی (۱۳۹۶)، نخستین اندیشه‌های حـدیثی شـیعه: رویکردها، گفتمان‌ها، انگاره‌ها و جریان‌ها، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، آورده شده است ولی به دلیل ارتباط مستقیم آن با محتوای کتاب حاضر و با رضایت نویسنده، در این‌جا نیز آورده شـده است.

پژوهشگر در ارتباط با آن از مقوله کشف و نه تعریف خواهد بود، برخلاف مفاهیم که بسیار اوقات حاصل یک خلاقیت ذهنی‌اند و کاملاً می‌توانند فردی و تازه‌تأسیس باشند. انگاره با باور منطبق نیست، چون جنبه فردی و روانشناختی در باور شاخص است و دقیقاً اندیشه هم نیست، چون اندیشه و فکر، کاربری قوه عاقله و استدلال در ساماندهی به معلومات برای رسیدن به پاسخ مجهولات است و در شرایط خودآگاهی اتفاق می‌افتد و همچنان می‌تواند فردی و خلاق باشد. بااین حال، انکار نباید کرد که هم حوزه باور و هم حوزه اندیشه با حوزه انگاره همپوشی دارند و همین امر زمینه تأمل‌ها در باره نسبت تاریخ انگاره با تاریخ اندیشه و تاریخ ادیان را فراهم می‌سازد.

به‌هرروی به نظر می‌رسد فراسوی این تأملات که گاه به مناقشه نیز می‌انجامد، باید به تاریخ انگاره اجازه داد تا در مسیر خود پیش رود و بتواند آن خلأهای معرفتی را پوشش دهد که شاید حوزه پژوهشی دیگری قادر به انجام آن نباشد. به خصوص اهمیت تاریخ انگاره زمانی بیشتر آشکار می‌شود که از خود بپرسیم آیا اصولاً مطالعه انگاره‌ها بدون نگاه تاریخی و طرز فکر تاریخی امکان‌پذیر است؟ پاسخ ما به این پرسش البته منفی است. برخی از فیلسوفان معاصر بر این باورند که پژوهش فلسفه چیزی جز پژوهش تاریخ فلسفه نیست، ولی اگر پشت صحنه فلسفه، اندیشه است که می‌تواند فردی و خلاق باشد و فضایی برای تفلسف وجود داشته باشد که با جنبه‌های خلاق فردی گره خورده باشد، چنین شائبه‌ای در باره انگاره به عنوان امری اجتماعی و تاریخی وجود ندارد.

انگاره چنان که تعریف کردیم ماهیتاً تاریخی است و در کارکرد اجتماعی خود، قدرت تاریخی‌اش را به کار می‌گیرد؛ پس کاوش آن نیز به نحو اجتناب‌ناپذیری تاریخی باید باشد. با توجه به این توضیح، در یک نگاه درجه دوم، تاریخ انگاره بیش و پیش از آن که به عنوان یک روش پژوهش به کار گرفته شود، یک طرز فکر و آیین اندیشه‌ورزی است.

اکنون جا دارد تأملی هم در باره موضوع تاریخ انگاره داشته باشیم. تاریخ انگاره در ماهیت خود یک مطالعه تاریخی است، هرچند بیشتر پدیدآورندگان آن فیلسوف بوده‌اند. این حوزه پژوهشی به تناسب سنخ موضوع تاریخی است و چاره‌ای جز در پیش گرفتن الگوهای عمومی تاریخ‌پژوهی ندارد، روندی که به طور روزافزون در تاریخ انگاره قابل مشاهده است. موضوع تاریخ انگاره همچون هر حیطه دیگر از مطالعات تاریخی، دگرگونی و تغییر است و انگاره‌ها همانند هر امر تاریخی دیگر باید در یک نسبت چندزمانه به بحث نهاده شوند.

در نگاه تاریخی، مقایسه زمان t- با t+ و t0 همیشه محور اصلی مطالعه است و تاریخ انگاره نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ ولی غالب آنان که از سده ۱۹میلادی به

سراغ نگاه تاریخ انگاره و تاریخ مفاهیم رفتند، هدفشان آن بود که انگاره‌های ساخت‌یافته و مفاهیم شکل‌گرفته در دوره معاصر را با ریشه‌های آن مقایسه کنند و نهایتاً بتوانند تصویر روشن‌تر و عمیق‌تری از آن امر ارائه کنند. از نگاه آنان انگاره و مفهوم در عصر حاضر حاصل انباشت یک ذخیره و سابقه تاریخی است و نگاه تاریخی می‌توانست ابزاری باشد برای تحلیل این مفهوم انباشته و بازشناسی یک‌یک لایه‌های تاریخی که نهایتاً به شکل‌گیری این انگاره و مفهوم معاصر منجر شده‌اند.

در پیشینه تاریخ انگاره، این شیوه مطالعه چنان که اشاره شد مسیری بود که می‌توان شروع آن را از محیط‌های فلسفی سراغ گرفت و سپس گسترش آن را در حوزه‌های علوم مختلف بازجست. در این گونه مطالعات، t0 زمان حاضر است که باید با گذشته t– سنجیده شود و با این مبنا پرداختن به t+ مصداق آینده‌پژوهی و خروج از بحث تاریخی است.

در برخی از حوزه‌های مطالعاتی ـ از جمله مطالعات اسلامی شرایط قدری متفاوت است. آنجا که چیزی به عنوان "اصل" (fundamental) می‌تواند مهم باشد. اگر در این نگاه اصل‌محور، آن اصل نوعی تأسیس فرض شود، به عکس آنچه در بالا گفته شد، t0 در آنجا نقطه تأسیس است، t– وجود ندارد یا اهمیت ندارد و و تنها t+ مطرح است که با عرضه به اصل، ارزش آن سنجیده می‌شود. نگاه انگاره‌ای بنیادمحور در واقع مانند یک چشمه، انگاره را از سرچشمه آن تا دوره‌های بعد دنبال می‌کند، در حالی که نقطه تمرکز مطالعه آن بر زمان بنیادگذاری است.

به طور معمول در مطالعات دینی اسلام، این دو نوع مطالعه دیده می‌شود؛ در مطالعات سنتی مثلاً فقه فقط دو چیز مهم بوده است: فتوای فقیه زنده چیست t0 _ t- و این که در نصوص دینی چه گفته شده است، یعنی t0 _ t+.

مطالعات خاورشناسی نیز به این دو گروه قابل تقسیم است: سنت خاورشناسی نگاه اصل‌محور به شناخت اسلام داشت، منابع کلاسیک مانند آثار کائتانی و گلدسیهر به دنبال آن بودند که بدانند اصل اسلام چه سخنی برای گفتن داشته است؟ خاورشناسی معاصر در مقابل، بیشتر توجهش به اسلام در عصر حاضر (Islam in practice) است و معنای این نگرش آن است که اسلام در زمان مدرن محور مطالعه است و رجوع به گذشته اهمیتی ندارد.

آنچه گفته شد چه در باره عالمان مسلمان سنتی و چه در باره خاورشناسان از سنخ تاریخ انگاره نیست؛ در آنها فقط یک زمان ملحوظ و زمان دیگر ناملحوظ است. موضوع زمانی صورت تاریخ انگاره پیدا می‌کند که دست کم سه مقطع زمانی t-، t0 و t+ وجود داشته باشد. وجود چنین ظرفیتی در تاریخ انگاره، این امکان را به‌وجود آورده

است که نقطه‌هایی میان صدر اسلام و عصر حاضر از نظر بار مفهومی انگاره‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. می‌توان ادعا کرد پیش از رواج روش‌های تاریخ انگاره چنین امکانی ـ دست کم به صورت برنامه پژوهشی نظام‌مند ـ وجود نداشته است.

در نگاه تاریخ انگاره، زمان‌های میانی بسیار مهم‌اند، از آن رو که روندهای تغییر بسیار مهم‌اند و نباید نادیده گرفت که این طرز اندیشه، ارزش‌دهی به مراحل و دستاوردهای هر مرحله را نیز به همراه دارد که خود راهی مهم و کارآمد برای حفظ پیوست نسبت به سنت‌های دینی و پرهیز از افتادن در دام بنیادگرایی است. در واقع نگاه تاریخ انگاره‌ای در مطالعات دینی این امکان را فراهم آورده است که بتوان به جای یک نگاه بنیادگرا که برداشت‌های فردی عصری را مقدس‌سازی می‌کند، یک نگاه تحول‌گرا و ارزش‌گذارنده به سنت‌ها و پیشینه‌ها را جایگزین ساخت. برخی از مرجع‌های دینی تندرو ـ به خصوص از سلفیه ـ در عصر حاضر اصرار دارند ادعا کنند که باور آنان در خصوص دین، بی‌کم و کاست همان باور عرضه شده در نصوص دینی در صدر اسلام است و در این مسیر پرهیزی ندارند از این که ادعا کنند فهم‌های دیگر تخطی از انگاره‌های اصیل اسلام است. در مقابل، آنان که گرایش عصری افراطی داشتند، ضرورت نمی‌دیدند برای نگرش عصری خود سابقه‌ای بجویند و با مطرح کردن عناصر فرامتنی مانند عقل یا عرف این نقصیه را جبران می‌کردند. البته گفتنی است در این میان دیدگاهی که بر اجتهاد تکیه دارد، اما قائل به نظریه «تخطئه» است ـ مانند دیدگاه مشهور امامیه ـ می‌تواند به یک حد وسط، یک نقش اعتدالی را ایفا نماید و از هر دو آسیب به دور باشد.

به‌هرحال، الگوی تاریخ انگاره شرایط مناسبی را فراهم آورده است که نه تنها به عنوان یک روش، بلکه به عنوان یک مبنای اندیشه، سیر تحول یک انگاره با لحاظ عرف، جامعه و عقلانیت جمعی و نسبت آن به سرچشمه‌های تاریخی ـ از جمله نصوص ـ دنبال شود. بدون این که بخواهیم همه مطالعاتی که از طریق تاریخ انگاره انجام شده را به طور عصری مورد تأیید جزء به جزء قرار دهیم، باید ادعا کنیم که تاریخ انگاره چنین امکانی را در فضای مطالعات دینی پدید آورده است که بتوان از آن الگوی دووضعیته یاد شده عبور کرد و نگاه‌های افراطی را با نگاه‌های تاریخمند که به بافت اجتماعی هم در مسیر مطالعه و هم در مسیر شکل‌گیری انگاره اهمیت می‌دهد، جایگزین نمود. با توجه به آنچه در باره تفکر اجتهادی با مبنای تخطئه به عنوان حد وسط گفته شد، دور نیست اگر گفته شود تاریخ انگاره، با این دیدگاه بیشترین تناسب و سازگاری را دارد.

دکتر احمد پاکتچی

بهمن ۱۳۹۶

پیشگفتار

مطالعات تاریخی و تاریخ‌پژوهی ادیان گوناگون به ویژه دین اسلام و آیین تشیع از دیرباز میان دانشوران فرهنگ و تمدن اسلامی رایج بوده و حجم قابل توجهی از میراث مکتوب اسلامی مخطوط و مطبوع را تشکیل می‌دهد. در این زمینه آثاری تحلیلی به رشته تحریر درآمده که از حیث تتبع گزارش‌ها و بررسی و واکاوی آنان گاه چنان از دقت و اتقان برخوردار است که شگفتی پژوهشگران را برمی‌انگیزاند و گاه بدون توجه به فضای نقل آن گزارش‌ها و غفلت از انطباق منقول با زمان نقل و آسیب‌های دیگر، برف‌انباری از سخنان سره و ناسره فراهم آورده است. ابزارهای نقد تاریخی کلاسیک از دیرباز وجود داشته و امروز نیز مورد استفاده اندیشمندان اسلامی قرار می‌گیرد. اما ظهور تاریخ‌پژوهی نوین در قرن هجدهم در غرب، فصل جدیدی از نگاه به تاریخ را در میان غربیان آغاز کرد و آن را در سراسر جهان گستراند و کار بدانجا رسید که برخی از خاورشناسان با استفاده از روش‌های جدید در مطالعات اسلامی حتی در اصل پیدایش اسلام یا تشیع تردید کردند. انتشار آثاری از این دست یا مشابه آن، حساسیت جهان اسلام را برانگیخت و موجی از نقدنویسی بر دستاوردهای مغرب‌زمین را ایجاد کرد.[1] امروز نیز اگرچه حتی در برخی آثار مطرح غربی به منابع دست‌اول شیعی گاهی بی‌توجهی می‌شود،[2] اما بی‌طرفی نسبت به تشیع و مراجعه به منابع اصیل برای

---

۱. برای مثال پس از انتشار کتاب تاریخ قرآن نولدکه در جهان اسلام، قرآن‌پژوهان بسیاری بر آن نقد نوشتند. نک: رحیمی ریسه، «تاریخ قرآن نولدکه...»، ص۲۱.

۲. برای مثال اتان کلبرگ شیعه‌پژوه سرشناس در مقاله «از امامیه تا اثنی عشریه» خود برای مأخذیابی این سخن که نظریه امامت در شیعه امامیه نخستین بار توسط هشام بن حکم صورت معینی

تاریخ‌نگاری وضعیت بهینه‌تری تا گذشته یافته است. باری، همان‌طور که دانش در زمان به پیش می‌رفت، اندیشمندان مسلمان خود را بیش از پیش در معرض منشوراتی دیدند که بیرون از مرزهایشان عرضه می‌شد. آنان به تدریج برخی از این شیوه‌ها را نه در جهت رد و انکار که در جهت اثبات منشأ قدسی و الهی آیین خود به کار می‌بردند. استفاده از این مفاهیم و روش‌ها برای هر دو سویه، فرصت گفتگو و بازاندیشی درباره پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه را فراهم می‌ساخت.

یکی از این شیوه‌های نوین چیزی است که از آن به «تاریخ اندیشه» تعبیر می‌شود.[1] با شکل‌گیری تاریخ اندیشه و گسترش آن در پهنای رشته‌های گوناگون علوم انسانی، خاورشناسان و شیعه‌پژوهان از آن برای تحقیق در اندیشه‌های شیعی استفاده کردند. کاربست تاریخ اندیشه در شیعه‌پژوهی یکی از حوزه‌های نوپدید در مطالعات تاریخی خاورشناسان و شیعه‌پژوهان در آکادمیای غرب به شمار می‌آید. چنان که خواهد آمد، هنوز ادبیات روش‌شناسانه‌ای از سوی بنیانگذاران و پدران معنوی این حوزه وجود ندارد و بسیاری از آنچه به عنوان مبانی یا کلیات تاریخ اندیشه در آن دیار نگاشته می‌شود با آنچه در اینجا به دنبال آن هستیم ارتباطی ندارد، بنابراین با رسته‌ای از مطالعات فکری و علمی مواجهیم که سخن گفتن از نهادینگی بومی آن در جهان اسلام و به طور خاص ایران دشوار می‌نماید.

اثر حاضر در ادامه تأملاتی فکری صورت پذیرفته است که از حدود یک دهه پیش متأثر از انتشار کتاب مکتب در فرایند تکامل اثر دکتر سیدحسین مدرسی طباطبائی و برخی نوشته‌ها و درس‌گفتارهای دکتر احمد پاکتچی نضج گرفت. این اثر می‌کوشد تا با استفاده از دستاوردهای تاریخ اندیشه، جریان‌شناسی، گفتمان‌کاوی و... در مغرب‌زمین از آن برای واکاوی تطور اندیشه‌های کهن اسلامی بهره جوید. طبعاً همان‌طور که از نام آن پیداست،

یافت، به مقاله هشام بن الحکم مادلونگ ارجاع می‌دهد نه آنکه سخنی از شخص هشام یا معاصرین وی دال بر این ادعا ذکر نماید.

(see: Kohlberg, "From Imāmiyya to Ithnā-'ashariyya", p. 521)

۱. در ادامه همین کتاب به تفصیل در خصوص این مفهوم و مفاهیم مشابه آن سخن خواهد رفت.

مقدمه‌ای است در این زمینه و پای نهادن در راهی است که چندان از تولد آن در جهان فکر و فرهنگ اسلامی و ایرانی نمی‌گذرد. این اثر می‌کوشد تا ادبیات و چارچوب‌های نانوشته و پراکنده موجود در مطالعات مذکور را به زبانی آکادمیک سامان بخشد. به این منظور منطقی می‌نمود تا ابتدا مفهوم تاریخ اندیشه و معادل‌های آن در لاتین و برگردان‌های ارائه شده از آن در زبان فارسی معرفی و سپس پیشینه نوشته‌هایی با رویکرد تاریخ اندیشگانی ارائه شود. به نظر می‌رسد خواننده محترم در فصل نخست به خوبی درمی‌یابد به‌رغم آنکه اساتید و دانشجویان فعال در کالج‌های مطالعات اسلامی و خاورشناسی غربی امروز به تحقیقات قابل اعتنایی نسبت به تاریخ اندیشه‌های کلامی و جریان‌های حدیث‌نگاری نخستین دست یازیده‌اند، اما متأسفانه همچنان در تحلیل اندیشه‌ها به این شیوه، هیچ نمونهٔ منقحی بر پایه تبیین روش‌شناسی رهیافت مزبور حتی در نوشته‌های خاورشناسان یافت نمی‌شود. از سوی دیگر، پیچیدگی و حساسیت مباحث طرح شده موجب پدیداری موانعی بر سر توسعه آن به چشم می‌خورد که در فصل دوم با عنوان نگرش کلامی و نگرش تاریخی به آن پرداخته شده است. بر این اساس، خواننده با کرانه‌های تلاقی تاریخ و کلام که یکی در مسیر توصیف و دیگری در راه ارزش‌داوری و هنجارمندی گام برمی‌دارد، آشنا شده و تصویری از تعارض‌های احتمالی میان این دو گروه می‌یابد. پس از آن، تلاش می‌شود که راه‌هایی برای برون‌رفت از تعارض بدوی بررسی شود. سپس خواننده در رویایی با دو بخش کلان در تاریخ‌نگاری انگاره‌ای و اندیشه‌ای قرار می‌گیرد که یکی نقد بیرونی و دیگری نقد درونی نامیده شده است. با مطالعه بندهای نخست هر یک از این دو فصل اذعان می‌شود نقد بیرونی و نقد درونی به مفهوم عامّ خود میان اندیشمندان اسلامی بیگانه تلقی نمی‌شده است، بلکه سخن در اینجاست که گستره مطالعاتی این دو قسم از نقد با تاریخ اندیشه توسعه می‌یابد و تاریخ‌پژوه را از آفت خودکارشدگی هرمنوتیکی می‌رهاند. به عبارت دیگر، تاریخ اندیشه این توان را

داراست که ابزارهای سنّتی مطالعه متن و فرامتن را ابتدا ضابطه‌مندتر سازد و سپس امکانات مورخ را برای کاویدن نقاط روشن و تاریک گزارش‌ها مضاعف کند و آنگاه می‌توان از میان گزارش‌های انبوه در دسترس، به یافته‌هایی دست یافت که پیش از آن به خاطر خودکارشدگی بر ما معلوم نبودند و کشاکش شبکه‌های جریانی را به گونه‌ای بازسازی کرد که تاکنون بدان التفاتی نمی‌شد. این اثر نشان می‌دهد متونی که تا امروز چیزی بیش از چند خطّ گسسته از هم نبودند، به کمک رویکرد تاریخ اندیشگانی به لحاظ زمانی انسجام می‌یابند و رخدادها را به روندهایی معنادار تبدیل می‌کنند. برای نمونه و به طور مشخّص، تاریخ اندیشه بر فهم گزارش‌های رجالی متعارض بسیار تأثیرگذار خواهد بود و پرده از راز گزارش‌هایی ضد و نقیض درباره برخی از مهمترین راویان و فقیهان اصحاب ائمه هدی (علیهم‌السلام) برمی‌دارد.

پاسخ به ابهامات و پرسش‌های فراوان در عرصه تاریخ اندیشه و نسبت آن با میراث مکتوب شیعه و اندیشه‌ها، گفتمان‌ها و جریان‌های موجود در آن دوره به تحقیقی انجامید که حاصل آن در چهار فصل تنظیم شده است. بخشی از دو فصل نخست با شکل و شمایلی خاصّ خود، پیش از این در لابلای چند مقاله و یک کتاب منتشر شد. فصل سوم و چهارم نیز بازنویسی، تتمیم و استدراک مباحثی است که به صورت درس‌گفتاری با عنوان تاریخ اندیشه امامیه در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ برای جمعی از دانشجویان در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) ارائه شد و اکنون به محضر خوانندگان عزیز تقدیم می‌گردد. تمام تلاش بر این قرار گرفت که ضمن تدوین مطالب به بیانی شیوا و البته دقیق، انسجام مطالب و ارتباط مضامین هر فصل با فصل قبل و بعد خود رعایت شود. همچنین در هر جستار، به فراخور مطلب، تحقیقات جدیدی که در این حوزه در دانشگاه‌ها و مراکز معتبر آکادمیک به انجام رسیده معرفی و از آن استفاده شود. همچنین در آنجا که پیشینیان با نکته‌سنجی و دقت مختص خود به اجمال یا تفصیل مطالبی داشتند مراجعه و از آن‌ها وام گرفته شد. در مجموع، این پژوهش امیدوار است

افق یا افق‌هایی نو در گونه‌های مختلف مطالعاتی همچون شخصیت‌شناسی (رجال و تراجم)، کتابشناسی، نسخه‌شناسی، جریان‌شناسی اجتماعی و... بر علاقمندان این میدان بگشاید.

شایان ذکر است گوشه‌ای از منابع و مآخذ تحقیق حاضر در فهرست انتهای کتاب انعکاس یافته است. ممکن است برای ذهن خواننده گرامی در حین مطالعه اثر، منابعی متبادر شود که متناسب با مضامین آن بوده ولی در اثر از آن‌ها سخنی به میان نرفته است. برخی از آن منابع حتماً طیّ تحقیق به آن‌ها مراجعه شد، ولی در نهایت به خاطر آنکه هدف از این اثر کاری است در سطح پژوهشی درآمدگونه یا بدین جهت که صرفاً عنوان منبع با مفاهیم یادشده همخوانی داشته اما در واقع به آنچه در آن قرار گرفته‌ایم بی‌ارتباط به نظر می‌رسید، از آن‌ها نامی به میان نیامده است. البته حتماً مصادری وجود دارد که از آن‌ها غفلت شده است که در این صورت از راهنمایی نکته‌سنجان گرامی بهره خواهیم برد.

بنابر تمام آنچه گفته شد، این اثر به هیچ وجه به دنبال آن نیست که بر کوشش‌های مجدّانهٔ پیش از خود خطّ بطلان کشد، بلکه در کمال احترام از دسترنج سترگ اندیشورزان پیشین تقدیر می‌کند و آنگاه سعی بر این می‌نهد که با به‌کارگیری دستاوردهایی نوین، در راستای فهم بیشتر و بهتر از گذشته خود حرکت کند و به قدر وسع و طاقت، گوشه‌ای از ظرفیت‌های نهفته در مطالعات میان‌رشته‌ای[1] را در معرض دید علاقمندان و دانشجویان گرایش‌های مختلف مطالعات اسلامی به ویژه رشته علوم قرآن و حدیث و تاریخ قرار دهد.

در پایان از تمام کسانی که به نوعی در ثمربخشی این اثر ایفای نقش کردند تشکر و قدردانی می‌شود. امید است خوانندگان محترم به لغزش‌های این سیاهه به دیدهٔ خطاپوش بنگرند و کاستی‌های شکلی و محتوایی آن را نقد کنند و بازتاب دهند تا آثار پسین با عنایت حق تعالی با قوت و اتقان بیشتر عرضه شود. همچنین از جامعه محققان در عرصه‌های فقه، حدیث، کلام و فلسفه اسلامی و...

1. Multidisciplinary studies

تقاضا می‌شود این اثر را سرآغاز مسیری پرپیچ و خم و البته به زعم ما سودمند تلقّی کنند و خود در این عرصه نوپیدا گام نهند و توسعه تحقیقات در این زمینه را سبب شوند. باشد که تمام این مساعی، مورد رضایت حق متعال قرار گیرد.

بمنّه و کرمه، بهمن ۱۳۹۶

دینوک
فروشگاه تخصصی کتب دینی